



سیاست خارجی دولت شوروی درباره جنبش جنگل

پدیدآورده (ها) : خسروی زاده، فرهاد

کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: پاییز 1380 - شماره 43

از 104 تا 109

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/92333>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی

تاریخ دانلود : 15/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

«سیاست خارجی دولت شوروی در باره جنبش جنگل»

فرهاد خسروی زاده

درآمد

یکی از جنبشهای ضد حکومت مرکزی ایران در جریان جنگ جهانی اول، جنبش جنگل به رهبری میرزا کوچک خان بود که خواهان سرنگونی رژیم استبدادی و مبارزه با استعمار انگلیس و استقرار «حکومت جمهوری» در ایران بود که می توان آن را «نظام دموکراتیک اسلامی» نامید. بر نامه حکومت میرزا کوچک، در اندیشه های ناسیونالیستی و وحدت اسلامی «خلاصه می شد.

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه به دست سوسیالیستهای افراطی (بلشویکها) به رهبری لینن، به پیروزی رسید و با تأکید بر اصول عدالت و برابری ملتها سیاست خارجی نوینی در قبال ایران در پیش گرفت و محرک نیرومندی برای «رشد» جنبش ایران شد. (۱) بدین ترتیب، اولین سیاست نهاجمعی انقلاب اکتبر در قالب «کمپترن» منجر به بروز اندیشه های انقلابی و روحیه آزادیخواهان در ایالت شمالی ایران گردید.

در این زمان، رهبران دولت انقلابی، ملت ایران را مورد خطاب قرار دادند و تمایزشان را به لغو همه قراردادهای استعماری منقضی در زمان تواریها و همچنین، تضمین استقلال و تمامیت ارضی و پایان دادن به عملیات نظامی در ایران اعلام کردند. (۲) دولت بلشویکی، با اجرای این سیاست، سعی داشت زمینه های نفوذش را در ایران فراهم آورد و بدین ترتیب با استعمار انگلستان، که با انقلاب، به مبارزه برخاسته بود، مقابله کند. (۳)

به دنبال قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلستان، که در جهت جلوگیری از توسعه نفوذ افکار بلشویکی صورت گرفت، دولت انقلابی روسیه، برای اینکه مانع از «تبدیل شدن ایران به پایگاهی ضد بلشویکی» گردد، خط مشی سیاسی اش را تغییر داد و در چارچوب ایدئولوژی کمونیستی و همچنین، «اجرای اهداف بین الملل سوم» به حمایت از جنبشهای ملی و نهضت‌های ایدئولوژیک در ایران پرداخت و دولت ایران را رسماً هدف شدیدترین حملات تبلیغاتی قرار داد. (۴)

سیاست بلشویکها، بر این اساس بود که ابتدا راه ائتلاف با رهبر جنبش جنگل را در پیش گرفتند تا با استفاده از قدرت و نفوذ وی، زمینه های نفوذ خود را در افکار عمومی فراهم آورند. لذا در روز ۲۴ رمضان سال ۱۳۳۸ د. ق، «اعلامیه ای از سوی میرزا و بلشویکها، تحت عنوان «فریاد مردم مظلوم ایران از حلقوم فدائیان جنگل» منتشر شد که طی آن، «حکومت جمهوری گیلان» به ریاست میرزا کوچک خان، اعلام گردید.

همزمان با تشکیل جمهوری سوسیالیستی گیلان، حزب کمونیست ایران»

به عنوان یکی از شعبه های محلی کمپترن، از گروه احسان... خان و اعضای «فرقه عدالت» تشکیل گردید. طی آن، تبلیغات کمونیستی در گیلان شدت یافت و با طرح شعارهای خاص حزبی خود، به میرزا کوچک سخت حمله نمودند. میرزا برای جلوگیری از برخورد نظامی و به امید یافتن راه حل سیاسی برای مشکلاتی که کمونیست‌ها به وجود آورده بودند، شهر رشت را ترک گفت و فوای خود را به سوی جنگل عقب کشید و طرح توطئه کودتای حزب کمونیست را عقیم گذاشت.

رژیم جدید کمونیستی، مرکب از بلشویکها، به ریاست احسان... خان تشکیل شد. اقدامات افراطی رژیم جدید کمونیستی، ناخرسندیهایی در میان طبقات مختلف مردم پدید آورد، با تشکیل «کنگره ملت‌های شرق در یاکوه کنگره» برای حل اختلافات گیلان، حیدر خان عمو اوغلی را با یک کشتی حامل عده ای نقرات و مقداری اسلحه، از توپ و تخنگ، بمب و شیر، روانه نمودند. اما حیدر خان، طی توطئه مشکوکی، در «واقعه ملاسرا» به قتل رسید.

پنج روز پس از کودتای اسفند ۱۲۹۹، با امضا شدن قرارداد «۲۶ فوریه ۱۹۲۱»، روابط ایران و شوروی، وارد مرحله جدیدی شد و چندی بعد، «قانون روزشین» نخستین وزیر مختار جدید شوروی در ایران، به تهران رسید. وی، در مراسم جشن تاجگذاری احمدشاه در روز ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۰۰، طی نطقی بر اساس عهدنامه ۱۹۲۱، «تسریع تصفیه مسئله گیلان» را مورد تأکید فراوان داد، و طی نامه ای، برای میرزا کوچک نوشت: «دولت شوروی، هر گونه اقدام انقلابی را در این شرایط بی فایده و زیانبار می داند. از این رو، سیاست خود را نسبت به ایران، تغییر داده است!»

میرزا کوچک خان رهبر جنبش جنگل، بطور کلی هوادار چیزی بود که آن را می توان «نظام دموکراتیک اسلامی» نامید، یعنی یک نظام وصول مالیات به صورت زکات از مالک برای کمک به مردم فقیر و دیگر اقدامات مشابه، برنامه حکومت وی در اندیشه های ناسیونالیستی و وحدت اسلامی خلاصه می شده که سعی داشت به دفاع از حقوق و اموال فردی، لغو همه قراردادهای غیر عادلانه، برابری همه ملتها و دفاع از اسلام بپردازد. (۵)

تشکیل جمهوری گیلان

همانند روز سه شنبه ۱۸ ماه مه ۱۹۲۰ م. ۲۸ اردیبهشت ۱۳۰۰ ش. ۲۵ شعبان ۱۳۳۸ ه. ق، بعد از شلیک چند توپ از دریای خزر به سواحل غازیان، ارتش

سرخ، در انزلی یاده شد. جهت و دلیل رسمی این حرکت کشتیهای جنگی شوروی این بود که چون کشتیهای ضد انقلابی ژنرال دنیگین و عده زیادی از افسران و نایبین ایشان در انزلی بودند و امنیت دریای خزر را تهدید می کردند، بدین جهت رئیس فلوب سرخ شوروی در ولگا و بحر خزر، برای حفظ امنیت دریای خزر، مجبور شد انزلی را تصرف نماید تا بتواند فنوت ضدانقلابی و اتباع وی را روانه روسیه نماید. (۶)

انگلیسها، بدون آنکه جواب توبهای روسی را بدهند در سنگرهای خود مقاومت نمایند، غازیان را تخیه و به طرف رشت عقب نشینی کردند و ضمن آن طرف ژنرال شاهینانی انگلیسی و نماینده ایران، علت این اقدام از آنان استفسار گردید. مردم انزلی و غازیان، با شجاعت کامل، بششویکها را پذیرفته و از تمام طبقات از زن و مرده، در قله ای که آنان یاده شده بودند مجتمع و نطقهای آتشین و هلهله و کف زندهای ممتد و خوشحالی بسیار از طرفین به عمل می آمد. (۷)

در این میان، سران جنگل، تشکیل جلسه داده و به شور و مذاکره پرداختند. نتیجه مشاوره، این شد که اسماعیل جنگلی، خواهرزاده میرزا باقر ماندغان ارتش سرخ نماند بگریزد، لذا اسماعیل خان، در ساختمان شیلات انزلی، با راسکولینکوف دیدار کرد. اما فر مانده ناوگان سرخ، پیش از آغاز هر نوع مذاکره رسمی با نمایندگان جنگل، اظهار اشتیاق کرد که خود میرزا را ببیند. ملاقات میرزا کوچک خان و فرمانده ناوگان سرخ، در عرصه کشتی کورسک صورت گرفت. میرزا هم نسبت به این ارتباط بی میل نبود و هیچگونه صحبتی از بی میلی میرزا در منابع نیامده است. پروفیسور سپهر ذبیح، نوشته است: بعد از ورود بششویکها، میرزا و یارانش، به دیدن آنها رفتند. (۸)

حاضرین در این جلسه، عبارت بودند از: راسکولینکف فرمانده جهازات جنگی بحر خزر، سرگو ارژنگزده کمیسر عالی قفقاز و اعضای کمیته عدالت باکو، میرزا کوچک، حسن ایانی (معین الر عایا)، گائورگ آلمانی (هو شنگ)، سعادت، درویش، میر صالح مظفرزاده، اسماعیل جنگلی. (۹)

در این جلسه، به میرزا پیشنهاد شد به اتفاق عادلانها، حکومت انقلابی را در ایران تشکیل دهد. میرزا، اظهار نمود: «چون اعضای کمیته عدالت، سانهاست از ایران دور بوده و از اخلاق و روحیات و اهالی آشنایی ندارند، لذا بهتر است حکومت از افرادی تشکیل گردد که از روحیات مردم باخبر باشند. بعلاوه، در اثر تبلیغات مرتجعین، به همه ملت ایران این طور فهمانیده اند که فرقه بششویک، علیه پول و دیانت و ناموس است. اگر در ابتدای کار، کوچکترین غفلتی به عمل آید، ممکن است ملت ایران، یکی از انقلاب دست کشیده و با آن، به مخالفت برخیزد. (۱۰)

در ملاقاتی که بین میرزا و بششویکها صورت گرفت، وی تلاش نمود تا بششویکها را متقاعد به خروج از گیلان نماید. اما در این کار، توفیقی نیافت. سرانجام طی چندین دور مذاکره، قراردادی بین طرفین منعقد گردید و بالاخره با عدم رضایت و اعتراض فرقه عدالت باکو و حزب کمونیست ایران، که مرکب از همان افراد آذربایجانی و در تحت ریاست ایکنف بودند مقررات ذیل تصویب شد تا به موقع اجرا گذاشته شود.

۱. عدم اجزای اصول کمونیسم، از حیث مصادره اموال و انقاع مالکیت و ممنوع بودن تبلیغات.

۲. تاسیس حکومت جمهوری انقلابی موقت.

۳. پس از ورود به تهران و تاسیس مجلس مبعوثان، هر نوع حکومتی را که نمایندگان منت پذیرند.

۴. سپردن مقدرات انقلاب، به دست این حکومت و عدم مذاخه شورویها در ایران.

۵. هیچ قشونی بدون اجازه و تصویب حکومت انقلابی ایران، زائد بر قوای موجود (دو هزار نفر)، از شوروی به ایران وارد نشود.

۶. ممتنخار این کشور، به عهده جمهوری اسلامی ایران است.

۷. هر مقدار مهمات و اسلحه، که از شوروی خواسته شود، در مقابل پرداخت قیمت، تسلیم نماید.

۸. کالای بازرگانان ایرانی، که در یادگوبه ضبط شده، تحویل این حکومت شود.

۹. اگذاری کلیه مؤسسات تجاری روسیه در ایران، به حکومت جمهوری. (۱۱)

بقیگیان، به عنوان شاهد عینی، نوشته است: «لازمیر زادر موقع خداحافظی پرسیدم: «چطور شد که به این زودی در اولین ملاقات با سران قوای روس، توانستید قراردادی منعقد سازید؟ میرزا، پاسخ داد: آنها، روی خوش به ما نشان دادند. (۱۲)

سیاست بششویکها، بر این اساس بود که ابتدا، راه ائتلاف با رهبر جنبش جنگل را برگزیدند تا با استفاده از قدرت و نفوذ وی، زمینه های نفوذ خود را در افکار عمومی فراهم آورند. در این حال، زمینه فکری مردم نیز بر اساس مظلوم طولانی انگلیسها و اعضای قرار داد ۱۳۹۹/۴ ژوئن ۱۹۲۰، دست به تشکیل جمهوری

کوچک نیو، تحت تاثیر آنها قرار گرفت و برای مبارزه با رجوع داخلی و استعمار خارجی، در ۱۴ خرداد ۱۳۹۹/۴ ژوئن ۱۹۲۰، دست به تشکیل جمهوری سوسیالیستی گیلان زد و موجودیت خویش را اعلام کرد و طی شکرگرفی بر می

نشین، وفاداری خویش را به دوستی مشترک ایران و شوروی بیان نمود و سیستم ایده آل بین الملل سوم را ستود. (۱۳)

شهر روز ۲۴ رمضان سال ۱۳۳۸ ه. ق.، اعلامیه ای از طرف میرزا و بششویکها، تحت عنوان «فریاد مردم مظلوم ایران از حلقوم فدائیان جنگل»، منتشر ساخت که طی آن، حکومت جمهوری به ریاست میرزا و عضویت احسان، خان و خالو فریان و میرزا محمدعلی خان و دو نفر دیگر، اعلام گردید. (۱۴)

۱۵. جمعیت انقلاب سرخ ایران، اصول سلطنت را منقذ کرده، جمهوری را رسماً اعلان می کند.

۱۶. حکومت موقت جمهوری، حفاظت جان و مال عموم اهالی را به عهده می گیرد.

۱۷. هر نوع فرزداد و معاهده ای که دولت ایران قدیم و جدید با هر دولتی منعقد کرده، لغو و باطل می داند.

۱۸. حکومت جمهوری، همه اقوام بسر و ملاقاتی با این امان شریک دانست و در باره آنها، به تساوی رفتار کرده و حفظ شعار اسلامی را نیز، از فراموشی می داند. (۱۵)

پس از نشر این بیانی، منبر حه با شکرگرف و از طرف کمیته انقلاب، به تهران و نظیر آن، از یادگوبه به تمام دنیا مخیره شد.

اولین کنگره حزب کمونیست ایران در بندر انزلی

همزمان با تشکیل جمهوری سوسیالیستی گیلان، حزب کمونیست ایران، به عنوان یکی از شعبه‌های محلی کمیترون، از گروه احسان... خان و اعضای فرقه عدالت تشکیل گردید. (۱۶) نخستین کنگره حزب کمونیست ایران، در اول مرداد ۱۳۹۹ (۲۳ ژوئن ۱۹۲۰) به ریاست آقازاده، یکی از اعضای قدیمی کمیته عدالت در بندر انزلی، تشکیل شد. در این کنگره طی قطعنامه‌ای، پیوستن به روسیه شوروی در مبارزه با سرمایه‌داری جهانی و حمایت از کله نیروهای ایرانی مخالف پرنیانها و نظام سلطنتی، مورد تأکید قرار گرفت. (۱۷) کنگره، برای جنبش نظر خلفهای ایران، برای یک مبارزه مشترک با رهبری حزب کمونیست ایران، در سراسر کشور، خط منبهای زیر را تصویب کرد.

۱. سرنگون کردن سلطه امپریالیسم بر ایران.

۲. مصادره اموال کلیه شرکت‌های خارجی.

۳. تسایی حق خودمختاری برای همه ملیتها، در چارچوب وحدت کشور.

۴. مصادره تمام زمینهای متعلق به مالکان بزرگ و تقسیم آن در بین دهقانان و سربازان ارتش انقلابی.

۵. اتحاد با روسیه شوروی و نهضت پرولتاریای جهانی. (۱۸)

در این کنگره، «لجناد دیکتاتوری پرولتاریا در آذربایجان و گیلان، فقط در درجات کم و با حمایت روسیه شوروی، مورد موافقت و تصویب قرار گرفت. بنا به گفته سید جعفر پیشه‌وری، عضو برجسته این کنگره، «وضع نجات بخش شوروی، تعهدات سنگینی را بر کمونیستهای ایران تحمیل کرد. زیرا آنان متعهد شدند تا از اتحاد شوروی در برابر تجاوزات کشورهای سرمایه‌داری، حمایت کنند» (۱۹)

شعارهای این حزب در آن مرحه، عبارت بوده از: «بیرون راندن امپریالیستهای انگلیس از ایران، لغو موافقتنامه اسارت آور سال ۱۹۱۹ انگلیس و ایران و واگون ساختن خاندان قاجار و برچیدن رژیم استبدادی و استبداد خاندانها و فتو دالها، برقراری جمهوری ملی در ایران، تشکیل دولت دمکراتیک و ارتش ملی و غیره... تصمیم گرفت که حزب از میرزا کوچک خان پشتیبانی کند» (۲۰)

پس از اعلام موجودیت حزب کمونیست ایران، تبلیغات کمونیستی در گیلان شدت یافت و در میان حزب، گذشته از طرح شعارهای حزبی، به میرزا کوچک خان نیز حمله می‌کردند. روزنامه کمونیست، به عنوان ازگان حزب کمونیست ایران، در رشت به سردبیری سید جعفر جو آقازاده (پیشه‌وری) انتشار یافت و در رشت، سازمان جوانان حزب، افتتاح گردید.

برخلاف (۲۱) توافقهای انجام شده، دسته‌های جدیدی در کمونیستها، از باکو وارد انزلی شدند. (۲۲) و «موران دولت بلشویکی، از تحویل ناموسیت بندی در انزلی و رفت در رشت به نمایندگان دولت انقلابی گیلان، خودداری کردند» (۲۳)

حکومت مستقل کمونیستها در گیلان

آزادشاخته شده حزب عدالت باکو، عبارت بودند از: ابوالکاف (از شاهزادگان ناز) و خالصش پوراسد... غفارزاده، زاخانیان، علیزاده، آقاباب، امیرزاده، موسوی، و چند تن دیگر که بیشتر فعالیتشان به دادن میتینگ و تبلیغات حزبی معضوف بود

و این وضع، منتهی به پیشوای جنگل، گران آمد. (۲۴)

آنچه به نظر می‌رسد، اینست که میرزا، از ابتدای امر هم با تبلیغات کمونیستی موافق نبود. او، دارای روح مذهبی بوده و هرگز نمی‌توانست پذیرای دیدگاه کمونیستی باشد. شوریه‌ها هم، بر اساس دیدگاههایی که از عوامل خود دریافت می‌کردند، میرزا را صانعی برای گسترش انقلاب کمونیستی می‌دانستند و وی را به عنوان مدعی در مقابل تمام مقاصد خود، تلقی می‌کردند. اما، با افرادی چون احسان... خان، در ورطه چنین قضاوتی قرار نداشتند. در مجموع، اقدامات بی‌رویه کمونیستها، در تبلیغات و انتقال حزب عدالت باکو به رشت و تبدیل آن به حزب کمونیست ایران و آغاز تبلیغات گسترده و اصرار بر سران انقلاب وابسته به چپ در اجرائی اصول کمونیسم از یک طرف، و ضبط کالاهای تجاری ایران در باکو به نفع از مدتها قبل توسط تجار ایرانی، برای صدور به قفقاز انتقال یافته بود. از سوی دیگر، و سرانجام، دیدگاههای عمومی، که معتقد بودند میرزا، بی‌دین شده و کمونیسم را پذیرفته است. زمینه اشعاب میرزا را از کمونیستها فراهم ساخت.

جدیدی بعد، کمیته مرکزی حزب کمونیست، اعلام کرد که میرزا کوچک خان، از سمتهای خود در دوتنهای انقلابی محروم گشته است. (۲۵) به دنبال آن، کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران که به طور عمده، افراد مسیحی که از باکو وارد ایران شده بودند، تشکیل می‌گردید. جنگلیهارا، در رشت تحت قفسه قرار داد. (۲۶)

در چنین شرایطی، میرزا، در روز نهم ژوئیه ۱۹۲۰، پس از ارسال نامه‌هایی مهم و مستند به نین و مدیرانی، که در آنها، اعمال خلاف کمونیستها را، یک به یک برشمرد، بودند. از دولت جمهوری سوسیالیستی گیلان، کناره‌گیری کرد. (۲۷)

میرزا، برای جلوگیری از برخورد نظامی و به امید یافتن راه‌حل سیاسی برای مشکلاتی که کمونیستها به وجود آورده بودند، شهر رشت را ترک گفت و فوای خود را به سوی جنگل عقب کشاند. (۲۸) بدین ترتیب، کودتای کمونیستی شکل گرفت. نقشه کودتا، فوری طرح‌ریزی شده بود که می‌بایست میرزا کوچک خان با کوشش می‌سید و به دستگیری می‌گردید و در حال، از کار در انقلاب خارج می‌شد و تمام امور را به دیگران می‌داد. ولی او نوظهوراً، رقیب احساس و به جنگل رفته بود. (۲۹)

در ۳۱ ژوئیه ۱۹۲۰، ۹ مرداد ۱۳۹۹، حکومت جدیدی به رهبری «احسان... خان» در رشت قدرت را به دست گرفت و رسماً، کمیته ملی آزادیبخش ایران، نامیده شد. اعضای آن، «میرزا» هواداران احسان... خان و سلطان‌زاده بودند. حکومت جدید، در سلطه یک نیروی ۲۰۰ نفره روسی و ارمنی و سربازان گرجی و نزدیک به ۱۲۰۰ کارگر ایرانی صنعت نفت باکو بود و به عنوان اولین اقدام خود، مبارزه به نام «اتحاد جوانان کمونیست» کرد تا تبلیغات و تحریک و سازماندهی گروههای مسلح خود را در بر این نیروهای کوچک خان، که اینک رقیب اصلی کمیته، به شمار می‌رفت، تقویت کند. (۳۰)

اقدامات ارضی رژیم جدید کمونیستی، نارضخندیهای در میان طبقات مختلف مردم پدید آورد. «دولت احسان... خان، بی‌تابانه بلندبالایی درباره آزاد ساختن حوضه‌های درخت، مصادره و تصرف زمینهای مالکان بین دهقانان و غیره منتشر ساخت و علاوه، در شرایط اقتصادی نواحی آن میستند، تحویل اجباری برنج را برقرار کرد که در واقع به افزایش بهره مالکانه انجامید» (۳۱)

با چنین وضعی، اوضاع گیلان رو به وحامت گذاشت. آنچه در گیلان



کنگره اعزام شد. (۳۴) در این کنگره، به نقش حساس ایران و انقلاب شرقی اشاره شد و کنگره، بر وز انقلاب در ایران را، فقط نیاز مندی یک مکان و فشار روحی و عزم راسخ کمترین دانست.

اکثر اعضای کنگره بانکو، علاقه داشتند، خیلی زود به اختلافات گیلان حاتمه دهند و برای این امر، حیدر عمو اوعلی را شایسته دانستند و او را با یک کشتی حامل عده‌ای بغرات و مقلد ری اسلحه از توب و تفنگ، بچپ و غیره، روانه انزلی نمودند. به هر حال، به طور مسلم، کنگره ملل شرقی، در کنار ایران و مخصوصاً در انقلاب گیلان نظر داشت و در نتیجه اقدامات اعضای کنگره، موضوع بر دایره نازدن دو دست، وارد مرحله گردید و ارسال نامه‌های مسالمت‌آمیز و درخواست رفع اختلاف به عمل آمد. هر چند ظاهراً در جلسات خود، از انقلاب گیلان چیزی نگفته، معالوصف با اقدامات پنهانی، نواستند سر و صورتی به انقلاب گیلان ندهند. (۳۵)

سقوط جمهوری گیلان

با افتادن حیدر عمو اوعلی و دیدار سران، کمیته مشترک از احسان... خان، خالو قربان، میرزا کوچک و عمو اوعلی تشکیل گردید که بعداً سرخوش به جای خالو قربان، در این کمیته شرکت کرد. به واسطه این انجمنی مجدد نیز، کار غیر معقولی بود. میرزا که مزه فعالیت کمونیست‌ها را چشیده و دیدگاه عمومی مردم را در باره آنها مشاهده کرده بود، معلوم نیست به چه انگیزه‌ای این اتحاد مجدد را قبول کرده به مرحله، این اتحاد، بسیار شکننده بود و سواست دوام خود را حفظ کند.

اساطول نکند که به دنگر، بن سران کمته شدند. اختلافاتی بروز کرد. در این زمان، احسان... خان، بدون اطلاع کمیته انقلاب و بدون آمادگی نظامی، با دو

می گذشت، بیشتر به یک کار من شهادت داشت تا یک رویای ملی گرانه و با یک کمونسیم روسی، بلشویکان، به عنوان شاهد عینی، اوضاع مردم را در این گونه تقسیم می کند، فشارهایی که از طرف احسان... خان و کمونیست‌ها بر مردم وارد می شد، مردم را از نظر مادی و مواد غذایی، شدیداً در مضیقه قرار داده بود. مرکز رشت، دچار حریق شد، مساجد و کلساها و حجره‌ها، در آتش سوختند. (۳۶)

همزمان با این درگیری‌ها، توان دولتی نیز، به فرمادهی استار و سنسکی، در انجمنی سوال شد، مشیر لویه، که ریاست کمیته مرکزی را در دست داشت، در صدد سرکوب انقلابیون بود. میرزا، در بین جهان، نظره گر ماجرا بود، قوی بلشویک، رشت را تخلیه کرده، شهر به دست نیروهای دولتی افتاد و استار و سنسکی، از احمدشاه، به خاطر این فتح، نشان دولتی گرفت. با عقرب نشینی بلشویکها، مردم به دنبال قوای آنها، حمله ور شدند و عده زیادی را کشته یا سحر و جگرد کرد و متقابلاً استقبال گرمی از سران دولتی به عمل آوردند. اما مدتی نگذشت که قوای دولتی، از رست عقب تنسته و نیروهای بلشویک، بار دیگر وارد رشت شدند. در این هنگامه، وضعیت مردم دیدنی بود. آنها، از ترس، انعام بلشویکها، خانه و کاسه خود را رها کرده و به سوی تهران متواری شدند.

کنگره بانکو و مسئله جمهوری گیلان

در چنین اوضاع و احوالی، اقدامات تشکیل کنگره مللهای شرق در بانکو نیز، نادرک دیده می شد. هر نامریزی این کنگره، اقدامی از سوی کمیته اجرایی کمترین، جهت نمود کمونسیم در ملل شرق بود. (۳۷) در زمان تشکیل این کنگره، ایران در معرض تخطی تازه‌ای از سیاست بلشویکها قرار گرفت. به همین دلیل، تحت فشار مشترک حزب کمونیست و ارتش سرخ، از ایران نیز، هیأتی بلشویک به این

هزرتیفر مسلح، به سوی تهران حرکت کرد. ولی اقدام جنگی وی، منجر به شکست سختی شد. عمده ترین دلیل شکست احسان... خان، خودداری افسران روسی، از اجرای دستورهای فرماندهی در اردوی وی بنا به دستور ازوتشتین، وزیر مختار جدید دولت بلشویکی در تهران، بود. (۳۶)

اقدام روتشتین، وزیر مختار جدید دولت شوروی، در جهت عدم حمایت احسان... خان در حمله به تهران، نشان دهنده تغییر جهت سیاست دولت بلشویکی، در برابر جمهوری گیلان بود. زیرا به تعبیر احسان طبری: «هدف تاهمین منافع ملی در این زمان، در راس سیاست خارجی دولت بلشویکی قرار داشت. (۳۷) در واقع، سیاست جدید شوروی، از یک طرف بر پایه سازش سیاسی، اقتصادی با انگلستان، و از طرف دیگر، انعقاد قراردادی در جهت بهبود مناسبات سیاسی با دولت ایران استوار بود که اعضای آن نیز، به عدم حمایت شوروی از بلشویکها در گیلان منوط می شد.

در واقع رهبران رژیم بلشویکی، با کسب تجربه یکساله از اوضاع گیلان، به این نتیجه رسیدند که شرایط اجتماعی ایران، برای تحولاتی از آن نوع که در حدود روسیه صورت گرفته بود، مساعد نیست و ایجاد نظام کمونیستی در ایران، نیاز به گذشت زمان دارد (۳۸). به همین جهت، گزارشهایی که روتشتین، از تهران برای وزارت خارجه شوروی فرستاد، نظریه سیاسی دولت شوروی را در ایران، نسبت به بهمنهای محلی کمونیستی، کاملاً دگرگون ساخت. در یکی از این گزارشها، که مورد تصدیق لینن و جیحورین قرار گرفت، وی، به صراحت ابراز داشت: «... به شما اطمینان می دهم، هر گونه، کوششی از جانب ما برای ایجاد انقلاب در هر ناحیه ای از ایران، باعث خواهد شد که ایرانیان، خود را ایندرونگ به اغوش بریتانیا بچکنند که در آن صورت، حکومت انگلستان، به چشم ایرانیان، به عنوان منجی و رها کننده مهبشان نقی خواهد شد. (۳۹) به همین علت، دولت بلشویکی، دست از حمایت انقلابیون گیلان برداشت و نیروهای خود را از شمال کشور فرخواند. با خروج ارتش سرخ، مخالفان در میان اعضای کمیته انقلاب، به اوج خود رسیدند. به طوری که سرانجام به عمر جمهوری شوروی گیلان، پایان داد.

پنج روز پس از کودتای ۲۹۹۰، مشهوراً الملک انصاری، قرارداد ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ را با چیچورین، وزیر خارجه شوروی امضا کرد. با امضا شدن این قرارداد، روابط ایران و شوروی، وارد مرحله جدیدی شد و چندی بعد، فلودور روتشتین، نخستین وزیر مختار رژیم جدید شوروی در ایران، به تهران رسید. روزی نیز، در مراسم جشن ناینگدازی احمد شاه، که روز ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۰۰ برپا شد، این حمله را در نطقش گنجانید. «خاطر اعلیحضرت همایون را مطمئن می سازد که دولت متبوعه و دوستدار نظر به تعهداتی که در موقع انعقاد قرارداد نمود بیانهایت صمیم، اقدامات لازمه را در سریع نصفه مسئله گیلان، اتخاذ خواهد نمود. (۴۰)

به دنبال تغییر سیاست شوروی در ایران و بخصوص نسبت به جنبش جنگل، بلشویکها، به احسان... خان پیشنهاد کردند که همراه ما ارتش به شوروی برود. احسان... خان با اطمینان خود، که عبارت بود از: حساسی، ذره لادین و حاج جعفر کنگاوری و غیره، از ایران حرکت و به باکو وارد شدند. ناگفته نماند، به این که در آن تاریخ، تعداد افراتیان احسان... خان به ۲۵۰ نفر تقلیل یافته بود، معهداً شخصاً مایل نبود ایران را ترک، کند. می گفت: «می مانم و می جنگم. ولی کنسول

شوروی در رشت، به او گفت: ما با دولت معاهده بسته ایم (منظورش معاهده ۱۹۲۱ بود) و تکلیف سیاست خارجی ما، برای مدت متعددی، با دولت ایران روشن شده و ما نمی توانیم از شما جانبداری کنیم. باید حتماً ایران را ترک نموده و به باکو بروید. این بود که احسان... خان، در مقابل اصرار کنسول مرزبور، ناگزیر شد که با کشتی به باکو عزیمت نماید. (۴۱)

با تسلیم خاندان قربان و فرار احسان... خان به طرف باکو، در حقیقت شیرازه اصلی جنگل، از هم پاشیده شد. اعظام قدسی، در خاطراتش گفته است: «تشکیل دهندگان سازمان جنگل، بجز خود میرزا، مردم ثابت قدم و دارای یک عقیده ثابت و مشتی نبودند. هر کدام، به فکرهای مختلف تشکیل جمعیت داده بودند. (۴۲) کوچک خان، برای ملاقات با رشیدالمعانی خلخالی، به سوی گیلان حرکت نمود. در دامنه کوه گیلوان، دچار بوران و یرف شدیدی شده، افرادش یکی پس از دیگری، یا از کوه برت شدند و یاراه را گم کرده، زیر برف ماندند. میرزا به همراه یکی از پازان وفادار خود به نام کانونگ آلمانی معروف به هوشنگ، در گندوک گیلوان به کولاک سختی دچار شد. به احتمال قوی، یازدهم آذرماه ۱۳۰۰ ه. ش، جان به جاتان سپردند. «باری، طرح انحلال جنگل، به اعضای روس و انگلیس رسیده بود و جناحهای سیاسی از بلشویکهای چون سیدر خان و احسان... خان و سردار محیی گرفته تا دسیسه کارانی چون میرزا کریم خان رشتی و قوام السلطنه و رضاخان، همه ناهید کرده بودند. کار میرزا تمام بود. (۴۳)

روز پنجشنبه ۱۳۰۰، در باره سیاست خارجی شوروی در این مقطع زمانی، نوشته است: «اگر تبلیغ کمونیست را هدف اصلی شوروی در میان ایرانیان بدانیم و می دانیم (بیمان ۱۹۲۱)، که در واقع چنین بوده است. و قبلهات بر سر و صدای ماه موران شوروی در سرسرخ شرقی، خود بهترین دلیل این مدعاست. بنابراین شوروی، ترجیح می داد که روابط صمیمانه خویش را با ایران حفظ نماید. ایران، بویژه پس از خروج سربازان انگلیسی، حق داشت خود را قربانی امپریالیسم جدید شوروی بنماید. روسیه، می پایست یکی از این دورا بر می گزید، با روابط دوستانه خویش را با حکومت مرکزی ایران حفظ می نمود تا از طریق تبلیغات کمونیستی به وسیله سفارت شوروی در تهران، نفوذ خویش را رفته رفته افزایش می داد و یا برای کمونیست کم دن این سرزمین، به اقدامات حادی نظیر رویداد گیلان با استفاده از عناصر ناراضی ایران دست می زد. در پاییز سال ۱۹۲۱ بود که بالاخره شوروی، به این نتیجه رسید که راه نخست، برای دستیابی به هدف، مناسبتر می نماید. (۴۴)

دلایل سقوط جمهوری گیلان

قرارداد مودنی که بین دولت شوروی و دولت مرکزی ایران، در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ امضا شد، ۱۲۹۹ به امضای رسید. امر حله دیپلماتیک جدیدی، در روابط ایران و شوروی گشود. مهمترین ویژگی این قرارداد، ماده مربوط به «خروج ارتش سرخ از خاک ایران تا ۲۱ سپتامبر ۱۹۲۱ بود. عقب نشینی نیروهای روسی، نشانگر تغییر محکوس سیاست شوروی نسبت به ایران بود که نه تنها اثراتی در وضع نهضت انقلابی جنگل به جای گذارد، بلکه در «آینده کمونیسم در ایران نیز» تأثیر داشت. (۴۵)

پس از ورود قوای دولتی به رشت و انزلی، «آندرد روتشتین»، سفیر شوروی در تهران، ترغیب شد تا بین دولت مرکزی و کوچک خان، میانجیگری کند. برر می پیامهایی که بین کوچک خان و روتشتین مبادله شد، «طرز برخورد شوروی را با

نهضت گیلان» روشن کرد. سفیر شوروی، در نامه خود، از کوچک شدن خواست تا نسیم شود و چنین نوشت: «... این تقصیر شما نیست؛ بلکه تحولات بین‌المللی از پایان جنگ ... تغییر سیاست ما را در ایران اجتناب‌ناپذیر ساخته است ... در حال حاضر، عملیات انقلابی را در ایران، نه تنها بی‌فایده بلکه مضر می‌دانیم. این است که شکل سیاستمان را عوض کرده، راه دیگر در پیش گرفتیم ...» (۴۶) و تلویحاً گفت: «که این اقدام، موقتی بوده و فعالیت نهضت، به زمان مناسبتری باید موقوف شود. و روشین، طرز برخورد دسته «احسان» - خان را با نهضت، مورد انتقاد قرار داد و قانعانه اظهار داشت که «دولت شوروی، هر گونه اقدام انقلابی را در این شرایط، بی‌فایده و زیانبار می‌داند» و از این رو سیاست خود را نسبت به ایران، تغییر داده است!

شواهدی وجود دارد که حاکی از این است که نمایندگان دیپلماتیک شوروی در تهران «از اینکه در نابودی نهضت جنگل تاخیر می‌شد، ناسکبیا بودند» و از همین می‌خواهند تا سرریا اقدام کنند. و روشین، سفیر شوروی در ایران، نزد جیجریین گلایه کرد، و جیجریین نیز، به نوبه خود، یک اعتراض شخصی، برای لنین فرستاد. (۴۷)

منابع شوروی، نهضت جنگل را، عامل اصلی «لغو قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس» و «سقوط سلسله قاجار» دانستند. منابع روسی «از تجربه گیلان» این دو سر را فراموش کردند که برای متحد کردن مردم ایران و شوروی، «باید از احساسات ملی آنان بهره برداری کرد. زیرا توده‌های گسترده مردم، از این اتحاد استقبال کردند، چون در چنین اتحادی، تضمینی برای آزادی و استقلال خود یافتند. با توجه به برآیند منابع مختلف، آنچه مسلم است، منابع روسی، در موضوع نهضت گیلان، اختلاف نظر جدی داشتند؛ اما شرح‌های آنان درباره «علل شکست کمونیسم» در این جنبش، گوشه‌ای از حقیقت ریاکاری می‌کند و مسئولیت شکست را ناشی از سه عامل عمده زیر می‌داند:

۱. خارج شدن ارتش سرخ از ایران؛
۲. محن‌های اجتماعی نهضت جنگل؛
۳. ضعف حزب کمونیست ایران.

یادداشت‌ها:

۱. الوتوف، م. س. تاریخ تومس ایران، ترجمه هوشنگ یزیدی و حسن قائم‌رندی، جاد انتشارات حزب توده، ۱۳۵۶، صفحه ۲۹
۲. شیخ الاسلامی، محمدجواد، سرمدی احمد شاه قاجار، تهران، نشر گفتار، ۱۳۵۷، صفحات ۱۰۶، ۹۹
۳. انچه‌اف‌کی، زرر و رقابت روسیه و غرب در ایران، ترجمه اسماعیل رائین، تهران، انتشارات جوادیدان، ۱۳۵۳، صفحه ۳۳۷
۴. ذوقی، روح، تاریخ روابط خارجه ایران و قدرتهای بزرگ ۱۹۰۰-۱۹۲۵، تهران، انتشارات بزرنگ، ۱۳۶۸، صفحه ۴۴۳
۵. ذبیح، سپهر، تاریخ جنبش کمونیستی در ایران، تاریخ ایران شماره ۸، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، انتشارات عطایی، ۱۳۶۵، صفحه ۵۰
۶. یزیدی، گریگور، شوروی و جنبش جنگل، ماه کوشش روزبه دهگان، تهران، انتشارات نوین، ۱۳۳۳، صفحه ۴۵
۷. گینک (احسان)، محمدعلی، تاریخ انقلاب جنگل، رشت، نشر گیلکال، ۱۳۷۱، صفحه ۲۶۷
۸. ذبیح، سپهر، روشین، صفحه ۳۷
۹. فخرانی، ابوالهیم، سردار جنگل، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۵۷، صفحه ۲۴۲
۱۰. گینک، روشین، صفحه ۲۷

۱۱. فخرانی، روشین، صفحه ۲۴۲
۱۲. یزیدیکان، پیشین، صفحه ۲۵
۱۳. انچه‌اف‌کی، زرر، سی سال رقابت غرب و شوروی در ایران، ترجمه حورایاوری، تهران، انتشارات ابن سینا، ۱۳۵۲، صفحه ۷۸
۱۴. صفائی، ابوالهیم، «جنبه‌های اجتماعی کودتای ۱۳۰۹»، تهران، بن، ۱۳۵۳، صفحه ۲۲۹
۱۵. فخرانی، روشین، صص ۳۹، ۴۰
۱۶. ارواسانی، شاهپور، نهضت میرزا کوچک خان جنگلی و ارتش جمعوری شوروی ایران، صص ۱۲۶، ۱۲۹
۱۷. ذبیح، سپهر، جنبش کمونیستی ایران، صفحه ۶۹ به نقل از جین دگر، سی، «کمونیسم و بین‌المللی شدن»، ۱۹۵۰، جلد اول، صفحه ۱۰۶
۱۸. روزنامه جنگل، ششم ژوئن، ۱۹۲۰، مقاله سید جعفر جوادیدان (نسخه ویدی)؛ ۱۹. مسیح روشین، دوم ژوئن، ۱۹۲۰
۲۰. ابوالهیم، تاریخ نوین ایران، صفحه ۲۰
۲۱. برای اطلاع بیشتر، متغذیه واقعی، سرطیفه و قتی، شاه کوربه، تاریخ می‌بوسند، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۵۷، صص ۲۷، ۲۶
۲۲. جنگلی، اسماعیل، پیام جنگل، ترجمه اسماعیل رائین، تهران، انتشارات جوادیدان، ۱۳۵۷، صفحه ۱۵۹
۲۳. ارواسانی، نهضت میرزا کوچک جنگلی، صفحه ۱۶۹
۲۴. فخرانی، روشین، صفحه ۱۶۹
۲۵. ارواسانی، پیشین، صفحه ۱۶۹
۲۶. منبع پیشین، صفحه ۸۰
۲۷. برای اطلاع بیشتر، نگزیده فخرانی، سردار جنگل، صص ۲۰۵، ۲۰۱، همچنین به یادگاران شوروی و جنبش جنگل، صص ۱۸۱، ۱۸۳
۲۸. ارواسانی، روشین، صفحه ۸۰
۲۹. فخرانی، روشین، صفحه ۳۷۱
۳۰. استور، گرگان، محمدعلی، سیاست دولت شوروی در ایران، از ۱۳۰۹ تا ۱۳۰۹، تهران، چاپخانه مطهری، ۱۳۲۶، صص ۸۸، ۸۷
۳۱. ابوالهیم، تاریخ نوین ایران، صفحه ۴۱
۳۲. یزیدیکان، پیشین، صفحه ۳۹
۳۳. ذبیح، سپهر، روشین، صفحه ۶۵
۳۴. انچه‌اف‌کی، زرر، رقابت روسیه و غرب در ایران، ترجمه اسماعیل رائین، صص ۳۳، ۳۲
۳۵. برای اطلاع بیشتر، نگزیده رئیس‌نبار، تیم، حیدر خان عموی عالی در گذر از وطنها، تهران، انتشارات دنیا، ۱۳۶۰
۳۶. ارواسانی، روشین، صص ۲۱۷، ۲۱۶
۳۷. طهری، احسان، گزاه (خاطراتی از تاریخ حزب توده ایران)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲، صفحه ۸۸
۳۸. شیخ الاسلامی، محمدجواد، افزایش نفوذ روس و انگلستان در ایران عصر قاجار (مجموعه مقالات)، تهران، کیهان، ۱۳۶۹، صص ۸۶- ۸۷
۳۹. منبع پیشین، صفحه ۱۲۶
۴۰. گینک، تاریخ انقلاب جنگل، صفحه ۴۴۶
۴۱. یزیدیکان، پیشین، صفحه ۵۵۷ به نقل از کتاب آزاده گسام، کاظم امیرزاد، صص ۶، ۵
۴۲. اعظم قدسی، حسن، خاطرات من از روش تاریخ صدساله ایران، تهران، انتشارات جوادیدان، ۱۳۴۲، صفحه ۴۰۲
۴۳. ابوالی، عبدالحمید، ایران و جهان از من و وطن تاریخی قاجار، تهران، نشر هما، ۱۳۷۵، صفحه ۵۰۲
۴۴. انچه‌اف‌کی، زرر، سی سال رقابت غرب و شوروی در ایران، ترجمه حورایاوری، صفحه ۸۱
۴۵. مادام ابوبود، نهضت از پیشین می‌در استان گیلان ایران، در سالهای ۱۹۲۱-۲۰، این مقاله، در نشریه «Borzhuyev Vostokovo Dostye» (شوروی و کشورهای شرق)، شماره (۱۹۵۵)، به چاپ رسیده است. خلاصه انگلیسی آن در مجله روسی آسیای مرکزی، سال چهارم، شماره سوم (۱۹۵۶)، به چاپ رسیده است. «انتشار آید آن GARA» کرده می‌شود.
۴۶. فخرانی، روشین، صص ۲۶۵، ۲۶۱
۴۷. ذبیح، سپهر، روشین، صفحه ۹۸ به نقل از نوین روشین، شوروی در سیاست جهانی، چاپ دوم، (پولستان)، نو جرسی، ۱۹۵۱، جلد اول، صفحه ۳۸۸